

50758 - چه وقت روزه نگرفتن برای مسافر حرام است؟

سوال

در چه حالتی روزه نگرفتن برای مسافر حرام می‌شود؟ سبب آن را نیز بگویید.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

قرآن کریم و سنت نبوی و اجماع امت دال بر این است که مسافر در روز رمضان حق دارد روزه نگیرد. الله متعال فرموده است:

وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ [بقره: ۱۸۵]

(و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره‌ی آن] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه شود]).

علما - که رحمت الله بر آنان باد - بیان نموده‌اند مسافری که روزه نگرفتن برای وی مباح است کسی است که مسافت سفرش به اندازه‌ی مسافت قصر نماز (مسافتی که نماز چهار رکعتی در آن دو رکعت می‌شود) باشد و سفرش نیز مباح باشد [نه برای گناه].

اما کسی که قصد سفری کمتر از مسافت قصر نماز دارد یا سفرش برای معصیت باشد برایش افطار و روزه نگرفتن جایز نیست.

همینطور اگر به نیت اینکه روزه نگیرد مسافرت کند هم مسافرت بر وی حرام است و هم روزه نگرفتن.

مسافت قصر نماز نزد جمهور علما چهار برد (۱۶ فرسخ) است که تقریباً معادل ۸۰ کیلومتر می‌باشد.

برخی از علما نیز بر این رای هستند که مسافت در سفر معتبر نیست بلکه معتبر آن چیزی است که مردم به آن سفر گویند.

مراجعه نمایید به سوال شماره‌ی (38079).

این رای که شخصی که به قصد گناه مسافرت کرده برایش روزه نگرفتن و دیگر رخصت‌ها مانند کوتاه خواندن نمازهای

چهار رکعتی مجاز نیست مذهب مالکیه و شافعیه و حنابله است.

مراجعه نمایید به: **المغنی** (۲/ ۵۲).

آنان رای خود را چنین تعلیل کرده‌اند که افطار یک رخصت است و شخصی که از سفرش قصد گناه دارد اهلیت این رخصت را ندارد. برخی نیز به این آیه استدلال کرده‌اند که:

فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ [بقره: ۱۷۳]

(پس هرکه ناچار شود در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد بر او گناهی نیست).

وجه دلالت این آیه چنین است که الله متعال خوردن مردار را برای مجبوری که ستمگر یا متجاوز باشد مباح نکرده زیرا آنان گناهکارند. گفته‌اند: باغی کسی است که بر امام خروج نماید و **عاد** یعنی محارب و راهزن.

اما حنفیه بر این رای هستند که او نیز می‌تواند از رخصت روزه نگرفتن در رمضان و کوتاه خواندن نمازهای چهار رکعتی و دیگر رخصت‌ها استفاده کند و انتخاب شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - نیز بر همین رای است.

نگا: **البحر الرائق** (۲/ ۱۴۹) و **مجموع الفتاوی** (۲۴/ ۱۱۰).

آنان استدلال جمهور به آیهی فوق را نپذیرفته و می‌گویند: باغی [در این آیه] کسی است که با وجود توانایی خوردن حلال در پی غذای حرام است، و معتدی یعنی کسی که از اندازه‌ی مورد نیازش [که برای حفظ جانش کافی است] تجاوز می‌کند [و بیشتر از آن می‌خورد].

اما کسی که به قصد روزه نگرفتن به سفر می‌رود چنین کسی قصد حیل‌گری و فریب شرع را دارد بنابراین با ضد آنچه خواسته مجازات می‌شود. در **کشاف القناع** (۲/ ۳۱۲) از کتب حنبلیان آمده است:

اما اگر به قصد روزه نگرفتن سفر کند هر دو کار بر وی حرام می‌شود. یعنی هم سفر و هم روزه نگرفتن، زیرا سفرش علتی ندارد جز این که روزه نگیرد. حرمت روزه نگرفتن به سبب نبودن عذر است و حرمت سفر به سبب این است که وسیله‌ای است برای افطار حرام.

مسافر حق روزه نگرفتن را ندارد مگر پس از آنکه از شهر یا روستایش خارج شود (یعنی خانه‌ها و ساختمان‌ها به پایان برسد و کاملاً از شهر بیرون آید) بنابراین پیش از آن خوردن روزه برای او حرام است زیرا هنوز مقیم به شمار می‌آید. مراجعه نمایید به سوال شماره‌ی (48975).

بر این اساس در سه حال روزه نگرفتن برای مسافر حرام است:

۱- اگر مسافت سفر او به اندازه‌ی مسافت قصر نیست.

۲- در صورتی که سفرش مباح نباشد. (بر اساس قول جمهور علما)

۳- اگر قصد او از مسافرت روزه نگرفتن باشد.

۴- اگر مسافرت را شروع کرده اما هنوز از شهر یا روستایش خارج نشده است.

۵- یک حالت دیگر نیز وجود دارد که نزد جمهور علما روزه نگرفتن برای شخص حرام خواهد بود و آن در صورتی است که شخص مسافر بیش از چهار روز در شهری که به آن سفر کرده بماند. اما گروهی دیگر از علما بر این رای هستند که مسافر تا وقتی که مسافر است می‌تواند از رخصت‌های سفر استفاده کند، هر چند سفرش به طول انجامد.

والله اعلم.